

مناطق تات نشین جنوب قزوین به گزارش سفرنامه‌ها

• نصرالله پورمحمدی املشی

روابط ایران بیشتر با آسیای میانه بود و خلافت عباسی هم چنان به عنوان مانعی برای ارتباط مستقیم ایران با اروپا محسوب می‌شد. ولی با سقوط دولت عباسی توسط مغولان و کاهش تأثیر عوامل مذهبی در روابط خارجی به خاطر حاکمیت فرمانروایان غیرمسلمان بر منطقه، ایران بار دیگر اهمیت خود را در شاهراه حیاتی شرق و غرب به دست آورد. به دنبال این حوادث سیاسی بود که مبلغان مذهبی، بازرگانان منفعت طلب و سیاحان حادثه جوی اروپا به سمت مشرق زمین و از جمله ایران سرزیر شدند.

تشکیل دولت ملی در ایران عصر صفوی، نزاع‌های مذهبی و تحولات نظامی دولت عثمانی را به دنبال داشت. امپراتوری عثمانی نیز درگیر جنگ‌های متمادی با دول اروپایی بود. بنابراین اروپایی‌ها با هدف مشترک (دشمنی با عثمانی) به ایران توجه بیشتری نمودند. افزایش سفرای سیاسی، مذهبی و تجاری یکی از پیامدهای مستقیم یا غیرمستقیم این شرایط سیاسی و مذهبی بود. این حوادث هم‌زمان با عصر جدید در اروپا است. عصری که در آن مبانی و اساس روابط ایران و اروپا شکل می‌گرفت.

از این زمان به بعد، اگر در روابط ایران با اروپا، میان قدرت اروپایی‌ها و دانش آن‌ها ارتباطی وجود داشته باشد، شایسته است جایگاه دانش را در دو سطح مورد توجه قرار داد: یکی در زمینه دانش فنی و تسلط اروپایی‌ها بر فنون نظامی و ماشین جنگی و دیگری در باب شناخت و معرفی که اروپایی‌ها درباره ایران به دست آورده بودند و آن را در روابط خود با ایران به کار بستند. این شناخت همه جانبه و فراگیر بود یعنی جغرافیا، تاریخ، فرهنگ، دین و ... را در برمی‌گرفت. مناطق تات زبان یکی از نمونه‌هایی است که درباره آن‌ها در گزارش سیاحان خارجی اطلاعات بیشتری از متون فارسی ارائه شده است. چنان‌که می‌دانیم، سیاحان اروپایی با انگیزه‌های متفاوتی از

چکیده:

جنوب استان قزوین از نظر زبان تاتی دارای اهمیت خاصی است، زیرا مهم‌ترین ویژگی تاریخی این مردم زبان (تاتی) آنان می‌باشد که ریشه در زبان فرس قدیم دارد تا جایی که یارشاطر می‌گوید: بهتر است آن را زبان مادی بنامیم. از طرف دیگر اطلاعات زیادی از این مردم و اوضاع و احوال آنان در متون فارسی یافت نمی‌شود، چون اغلب از حوزه سیاست دور بوده‌اند و شرایط محیطی نیز در این زمینه بی‌تأثیر نبوده است. شاید به همین دلایل این منطقه در مرز میان زبان فارسی و زبان ترکی قرار گرفته است. بدین ترتیب گزارش سیاحان خارجی برای شناخت اوضاع اجتماعی و تاریخی منطقه، منحصر به فرد و مفید خواهد بود. این گزارش علاوه بر این که سیر تدریجی پیشرفت زبان ترکی در غرب را نشان می‌دهد، از ویژگی‌های جغرافیایی و راه‌های تجاری و حتی شرایط زیست محیطی نیز اطلاعاتی به دست می‌دهد که برای بررسی جغرافیای تاریخی منطقه، سودمند است.

ایران از نظر موقعیت جغرافیایی در مسیر ارتباطی شرق به غرب قرار گرفته و به خاطر همین شرایط، از دیرزمان با ملل و اقوام متفاوت در ارتباط بوده است. دوره ارتباطی مهم بین المللی، یعنی ابریشم و ادویه از ایران می‌گذشت. اقوام مناطق شمالی نیز برای تأمین چراگاه برای گوسفندان و مایحتاج زندگی خود، یا از این منطقه عبور کرده‌اند و یا در این سرزمین اسکان گزیده‌اند. اهمیت ویژگی جغرافیایی ایران زمانی بیشتر نمود پیدا کرده که ایران در دنیای سیاست به شکل یک امپراتوری ظاهر شده است. اگرچه بعد از فتح ایران به دست مسلمانان، از اهمیت جغرافیایی ایران کاسته شد، اما از دوره حکومت‌های متقارن، همراه با احیای تدریجی استقلال سیاسی، بر اهمیت جغرافیایی ایران نیز افزوده شد. در عصر ترکان

در گزارش‌های

سیاحان خارجی

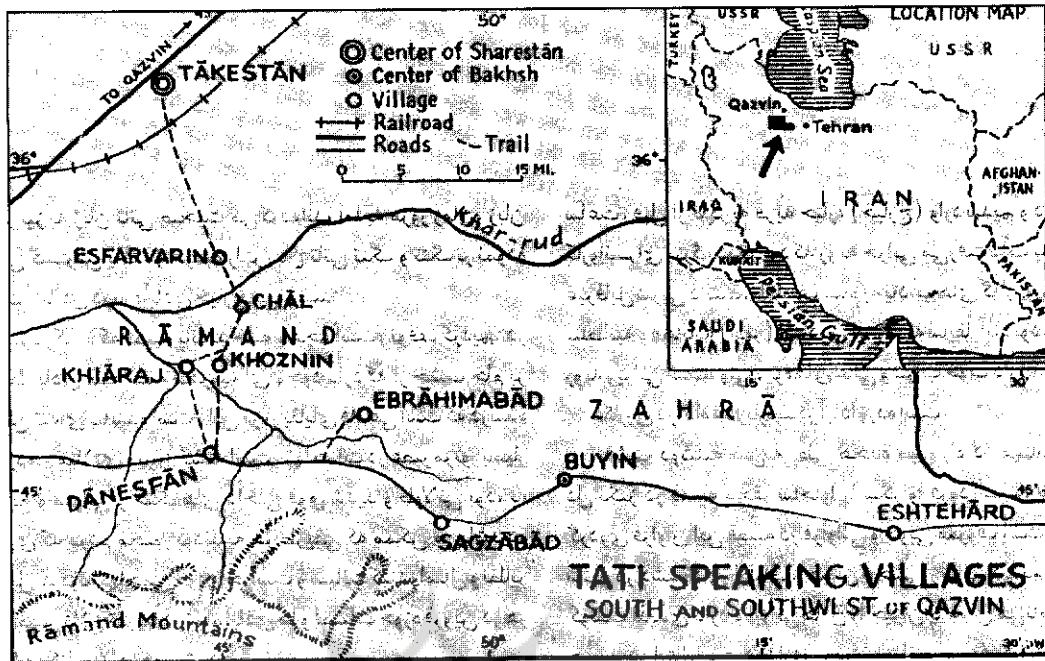
درباره مناطق تات زبان،

اطلاعات بیشتری

نسبت به متون فارسی

ارائه شده است

◀ شهرها و روستاهایی
که در آنها زبان تاتی
رواج دارد.



اروپایی ها با هدف مشترک
(دشمنی با عثمانی)
به ایران توجه بیشتری
نمودند که افزایش سفرای
سیاسی، مذهبی و تجاری
یکی از پیامدهای
مستقیم یا غیر مستقیم
آن بود

مخروبه عبور می شود که ده خانه بیشتر از آن باقی نمانده، با یک مناره مسجدی که خیلی بلند و کم قطر است. این قریه در کنار مسیله واقع شده است. بعد از آن کاروانسرای دیده می شود که تازه از گل و خاک بنا شده و نزدیک آن در روی بلندی قصری ساخته اند که بسیار بد ساخته است. سگزاوه (سگزآباد) شهر کوچکی است که گردوی خوب اعلی به عمل می آورد. کاروانسراهای آن جا همه از خاک و گل ساخته شده و بسیار کوچک اند، به همین جهت تمیز و راحت هستند، کوچکی آن ها را اکثر عددشان جبران می کند.^۲

سی و هفت سال بعد از اولین سفر تاورنیه، ژان شاردن فرانسوی از ایران دیدن نموده است. او درباره مرز زبان فارسی و ترکی گزارش بسیار جالب توجهی ارائه کرده است:

«در ابهر تکلم به زبان فارسی (پارسی) آغاز می شود. از ابهر تا هندوستان در تمام نقاط ایران به فارسی سخن گفته می شود، ولی بر حسب دوری و نزدیکی نسبت به شیراز که مظهر صفوت و سلامت زبان فارسی به شمار می رود، زبان مردم کمتر و بیشتر صاف و سالم است. به همین جهت فارسی متداول در ابهر و نقاط مجاور آن بسیار خشن و ناهنجار می باشد».^۳

بر اساس گفته شاردن مردم ابهر به زبان فارسی سخن می گفته اند. اما باید دانست که او زبان ها و لهجه های هم خانواده زبان فارسی را نیز به نام «فارسی» خوانده است و می گوید: «زبان ابهر و مجاور آن از لطافت و سلاست زبان شیراز برخوردار نیست». یعنی همان خصوصیتی که در زبان تاتی کنونی دیده می شود و هنوز این زبان جمله ها و کلمات را با صراحت خاصی ارائه می دهد. از طرف دیگر در دوره صفوی این زبان را به نام تاتی نمی خواندند، بلکه در منابع نام محل مورد استفاده ذکر شده است.^۴ مانند رامندی راژی و بنابراین، می توان نتیجه گرفت که تا زمان سیاحت شاردن مردم

مشرق زمین، از جمله ایران دیدن نموده اند. مأموریت سیاسی، ماجراجویی، تفریح، تحقیق، دست یابی به منافع تجاری و بازرگانی و تبلیغات مذهبی از جمله انگیزه های سیاحان اروپایی در سفر به ایران بوده است.

این جهانگردان در کنار تحقق بخشیدن به اهداف فوق، از شهرها و آبادی های مسیر راه گزارش هایی ارائه کرده اند که این اطلاعات منحصر به فرد امروزه از زوایای گوناگونی قابل تأمل و بررسی می باشد. به ویژه این که در منابع و متون فارسی به این گونه گزارش ها توجه نشده و گذشت زمان تغییرات زیادی در زمینه های اقتصادی، جغرافیایی، اجتماعی و ... مناطق به وجود آورده است. بعضی از آثار تاریخی و ویژگی های فرهنگی نیز به مرور زمان از بین رفته اند. در این جا کوشش شده است تا به تصویر و تصویری که سیاحان خارجی از مناطق تات نشین ارائه نموده اند، نگاه مختصری افکنده شود؛ زیرا در گزارش های سیاحان خارجی درباره مناطق تات زبان، اطلاعات بیشتری نسبت به متون فارسی ارائه شده است. یکی از این سیاحان، کلاویخو سفیر هانری سوم پادشاه کاستیل بود که در سال ۱۴۰۳ م. ۸۰۷۷ ه.ق. به سمرقند نزد امیر تیمور گورگانی رسیده است. او در مسیر حرکت خود از روستای سگزآباد نام می برد. که یک شب را در آن صبح نموده است. او درباره این روستا می نویسد: سگزآباد، آبادی بزرگی است که در میان بیشه های پر آب قرار گرفته.^۱ تاورنیه نیز از دیگر سیاحان اروپایی است که در عصر صفوی در فاصله میان سال های ۱۰۴۰ تا ۱۰۷۸ ه.ق. دست کم شش بار به ایران سفر نموده است. او وقتی به پارتن (فارسجین کنونی) می رسد، پس از توصیف منطقه می گوید:

«در دنباله این جلگه دشت حاصلخیز واقع شده، جمعیت کم است و تا سگزاوه (سگزآباد) یک روز مسافت دارد. از یک قریه

ساعت، قبل از ظهر به قریه خیاره (خیارج) وارد شدیم و در این جا کاروانسرای بزرگ دیگر بود که رو به خرابی می‌رفت. آب بد طعم و غیرقابل شرب بود. با تأسف تمام به یاد آب‌های گوارای زنجان و سلطانیه و «هابار» (ابه‌ر) افتادیم. این قریه سابقاً آباد بود و اکنون روبه ویرانی است، ولی میوه‌های عالی و شراب خوب دارد.^۲

کاری در ادامه درباره سگز آباد آورده است:

«شب دوشنبه پس از طی هجده میل راه در مهتاب بسیار دل‌انگیز در قصبه محقر ساختاوا یا سگزاوا فرود آمدیم. محصول گردوی فراوان این قصبه در فراوانی و خوبی معروف است. روز سه شنبه در دشت‌های اطراف، حیوان وحشی زیبایی دیدیم که گویا گوشت لذیذی دارد و ایرانی‌ها آن را جیران یا غزال می‌نامند. این حیوان در ایتالیا وجود ندارد، پوستش مانند پوست گوزن است و تندتر از سگ تازی می‌دود. شب‌ها به صورت گله برای چرا به جلگه می‌آیند و صبح‌ها به کوه برمی‌گردند».^۳

از دیگر سیاحان اروپائی که از این منطقه گزارش کرده، جیمز بیلی فریزر (۱۱۹۸ هـ. ق. / ۱۷۲۳ م.) سیاح و مؤلف اسکاتلندی است. او در زمان فرمانروایی نادرشاه از ایران دیدن نموده و از جمله آثار او سفرنامه فریزر معروف به سفر زمستانی است. به نظر می‌رسد در زمان مسافرت او مسیر ابهر - تاکستان از رونق بیشتری برخوردار بوده و یا با هدفی که او در پیش رو داشت، نزدیکتر بوده است. به هر حال هنگام فرارسیدن بهار این سیاح اسکاتلندی وارد منطقه تاکستان شده و توصیف ظریف و دقیقی از سرآغاز بهار در این منطقه ارائه داده است:

«هم‌چنان که از گلوگاه پایین دره نزدیک سیادهن (تاکستان) منزل بین راهمان خارج می‌شدیم، نخستین نشانه‌های بهاری که از راه می‌رسید به ما درود فرستادند. وه چه دلپسند بود دیدن آن‌ها برای ما که سرما جان‌هایمان را کوفته بود. رنگ زمردی سبزه‌ای که آرام و دزدانه از میان خوشه گیاه خشک سرک کشیده بود، نخستین چیزی بود که نظرم را جلب کرد و در نقطه‌ای این سبزه چندان فراوان بود که تمام سرازیری را با رنگ سبز ملایمی در آورده بود باد هر چه تند می‌وزید نسیم بهاری بود. چکاوک‌ها در هوا چهچه می‌زدند و نغمه‌سرایی می‌کردند سوسک‌ها روی هر تکه از زیاله‌های راه سخت مشغول فعالیت بودند و تمام فضا آکنده از شادی بود از احساس رهایی و آزادی».^۴

فریزر در نزدیکی تاکستان از وجود کولی‌هایی خبر می‌دهد که در قسمت جنوبی نرسیده به تاکستان چادر زده بودند و چشم به راه مسافرانی بودند تا آنان را غارت نمایند. در حالی که مادیان‌های آن‌ها خوش‌پوش تراز صاحبانشان بودند.^۵

ابه‌ر نیز به زبان تاتی صحبت می‌کرده‌اند، اما به مرور زمان، زبان ترکی گسترش یافته و عرصه را بر زبان تاتی تنگ و تنگ‌تر نموده است. شاردن درباره آبادی خیارج می‌نویسد:

«در کیاره که قصبه پانصد خانه باغچه است، توقف کردیم. در وسط آبادی قلعه نیمه مخروبه ای وجود دارد که از خشت خام بر سطح تپه‌ای بنا شده است. این دژ از بقایای قلعه‌ای است که در سده سیزدهم میلادی ویران گشته است. تهاجمات در عصر مزبور بسیار سریع و متوالی و جنگ‌های داخلی فوق‌شدید و طولانی بود، به طوری که مردم مجبور بودند به هر طریقی که ممکن می‌باشد در مقابل هرگونه تهاجمی خود را حراست و صیانت کنند. امثال و نظایر این قبیل قلاع تقریباً در تمام آبادی‌ها و قصبیات حوزه قزوین در هر گوشه و کنار مشاهده می‌شود».^۶

به نظر می‌رسد منظور از قلاع همان تپه‌هایی باشد که هنوز هم آثار آن‌ها در دشت قزوین دیده می‌شود و در واقع مهم‌ترین زبان تاریخی محسوس منطقه می‌باشند که حکایت از خشم طبیعت و تهاجم اقوام خارجی دارند. به عبارتی زبان خفته در خاک‌اند. همین سیاح در ادامه درباره سگز آباد آورده است:

«ما در سگز آباد رحل اقامت افکندیم که مثل کیاره (خیارج) قصبه بزرگی می‌باشد و در وسط دشت زیبا و مصفایی واقع شده است که عده کثیری آبادی در گوشه و کنار آن دیده می‌شود. در سگز آباد و کیاره کاروانسرای وجود ندارد، ولی در هر دو قصبه پانزده تابیست باب خانه و باغچه بزرگ وجود دارد که صاحبانشان درب آن‌ها را بر روی عابرین و واردین باز گذاشته‌اند و برای سکونت و استراحت مسافرین تخصیص داده‌اند و بسیار نظیف و تمیزتر از کاروانسراها می‌باشد. وسایل استراحت مسافرین در این منازل کاملاً آماده می‌باشد و خیلی خوب و عالی است. ولی توقف در آن‌ها برای عابرین بسیار گران تمام می‌شود، زیرا چنان که معلوم است حسب معمول میزبان از گرفتن کرایه و پول اجاره امتناع می‌ورزد و جرأت ندارد که چنین چیزی مطالبه کند، ولی در مقابل از بابت فروش علیق و ارزاقی که برای مسافرین تهیه می‌کند و جوه سنگینی اخذ می‌کنند. زیرا بر خلاف کاروانسرا که برای اجناس قیمت معین و مقطوعی وجود دارد، در این جا متصدیان به میل و اراده خود هر چه می‌خواهند از مشتریان می‌گیرند».^۷

به این ترتیب شاردن نسبتاً دقیق تراز تاورنیه درباره امکانات و تجهیزات راه‌ها و کاروانسراهای منطقه توضیح می‌دهد. پس از مدتی جمعی کاری در سال ۱۱۰۵ ه. ق. در زمان پادشاهی شاه سلیمان به ایران آمده است. او در توضیح آبادی‌های مسیر راه خود درباره خیارج می‌گوید:

«آخر سر پس از طی بیست و شش میل راه در عرض شش

مأموریت سیاسی،
ماجراجویی، تفریح،
تحقیق، دست‌یابی به
منافع تجاری و بازرگانی و
تبلیغات مذهبی از جمله
انگیزه‌های سیاحان
اروپایی در سفر به ایران
بوده است

◀ بقعه پیر، از بناهای دوران سلجوقیان، سده پنجم هجری، تاکستان



تا زمان سیاحت شاردن مردم ابهر نیز به زبان تاتی صحبت می کرده اند، اما به مرور زمان، زبان ترکی گسترش یافته و عرصه را بر زبان تاتی تنگ و تنگ تر نموده است

می دهد که تا آن زمان زبان ترکی در فارسجین نفوذ نکرده بود. او در این باره می نویسد:

«شب را در فارسبوجه که چهارصد پانصد خانوار دارد گذرانندیم. از این دهکده لهجه ترکی به فارسی تبدیل می شود. وجه تسمیه اش نیز به همین علت است.»^{۳۳}

سپس در ادامه می گوید: «فردا از رودخانه ای گذشته و همین که مدتی اراضی بایر را بگذشتیم به دهکده سیاده که ساختمان های خوب دارد، رسیدیم. سیاده چندین مزرعه دارد که اطرافش را تاکستان های میوه دار احاطه نموده است. در سیاده انواع انگورهای بسیار خوب و شراب ارغوانی که و صفش را شنیده بودیم پیدا کردیم سیاده تنها چیز ویژه به خود داشت و آن دیوارهایی است که به برج متکی هستند و از آجر ساخته شده اند و بدین لحاظ حصار مستحکمى جهت سیاده فراهم ساخته اند خانه کدخدا در بین خانه ها مشخص است. نوک گنبد های مساجد از بال و پرسفید لک لک ها می درخشید که در این محل آشیانه دارند و مساجد بدین وسیله تشخیص داده می شوند.»^{۳۴}

با توجه به تخصصی که اوژن فلاندن داشت - باستانشناسی - به سراغ پیر تاکستان می رود و در توصیف و توضیح این بنای تاریخی چنین می نویسد:

« بیرون سیاده خرابه ای دیدم که جلب توجه مرا نمود و حدس زدم باید مقبره ای باشد، چه شکل خاصی داشت. بر روی محوطه ای مربع شکل و آجری گنبدی زده اند که خسارت کلی دیده، اما دیوارهایش تزییناتی از آجرهای کوچک با حجام مختلف دارد. کنگره و گیلوئی هایش روی هم قرار گرفته و تنها دری داشت که در اثر آوار زیاد مسدود شده بود. وضع و منظره این بنا شباهتی به سبک هندی داشت و بایستی از دوره مغولان باشد.»^{۳۵}

زمانی که فریزر به تاکستان می رسد، با مشکل کمبود اسب روبرو می شود. در این حالت نظارت حکومت مرکزی بر چاپارخانه ها را به تمسخر گرفته می گوید:

«قصه کهنه «اسب نیست» تکرار شد، اما ما اکنون در زیر سایه «شاه شاهان» بودیم که این مسایل جزئی مثل چاپارخانه ها را مانند دیگر مسائل به روی مبارک نمی آورد و کمتر به فکر پرداخت حقوق رؤسای این گونه سازمان ها است، پس جای تعجب نیست که اسبی وجود نداشته باشد.»^{۳۶}

این جهانگرد اسکاتلندی برای رفتن به تهران از دو مسیر یاد می کند. به گزارش او راه پایین تر که کوتاه تر هم بود بر اثر برف های سنگین چنان پر گل و لای شده بود که هیچ چارپای باری نمی توانست از آن عبور کند. بنا بر این وی مجبور شده بود از مسیر دورتر که از قزوین می گذشت سفر نماید. ولی در تاکستان خرم دره ای ها شبانه اسب های خود را برداشته و فرار کردند. سرانجام دو تن از غلامان بدخلق به همراه کارکنان چاپارخانه به زور اسب های مردم را گرفتند این اقدام با مخالفت و مقاومت مردم روبرو شد و نزاع سختی بین آن ها در گرفت. وی در ادامه چنین می نویسد:

«در خلال این جنجال مشاهده حال آن دو غلام اعجاب انگیز بود. همان دو نفری که باعث نزاع شده بودند و اکنون روی فرش خود آرام نشسته مانند تماشاگران بی طرف نگاه می کردند و منتظر پایان صحنه ای بودند که بی شک در نظرشان چیزی بی سابقه نبود و هم چنین کسی به ایشان پرخاش نکرد، خشم و غضب روستائیان فقط متوجه رئیس چاپارخانه و هوادارانش بود.»^{۳۷}

سیاح دیگر اوژن فلاندن، نقاش، باستان شناس و نویسنده فرانسوی است که در دوره سلطنت فتحعلی شاه قاجار و در سال های ۱۲۱۹ - ۱۲۲۱ ه. ق. از ایران دیدن نموده است. گزارش او نشان

شاردن نسبتاً دقیق‌تر از تاورنیه در باره‌ی امکانات و تجهیزات راه‌ها و کاروانسراهای دشت قزوین توضیح می‌دهد

همان‌طور که پیش می‌رفتیم، ارتفاع زمین بیشتر و سرما ساعت به ساعت شدیدتر می‌شد. در نزد خود فقط یک نوکر ارمنی، یعنی مهتر خود را داشتیم و از اثاثیه خود جدا افتاده و از سرما لرزان بودم و هیچ مسکنی به چشم نمی‌خورد که در آن بتوان پناهی جست. بالاخره مسافری خانه‌ای به من نشان داد، بدون تأمل به سوی آن شتافتم. ساکنین خانه مرا به طرز حیرت‌انگیزی پذیرفتند، به دور من آمدند آتش روشن کردند برای من قلیان و شیر گرم آوردند. یک ساعت بعد همراهان من به من رسیدند و چون غذا خورده و گرم شده بودم، پس از آن که مهمان نوازی این اشخاص نیکوکار را پاداشی به سزا دادم، به همراهی مسافری که آن کلبه را به من نشان داده بود و خود همان راهی که ما می‌پیمودیم طی می‌کرد به راه افتادیم».^{۱۹}

اوژن اوین سفیر فرانسه در ایران (۱۹۰۷ - ۱۹۰۶) در سفرنامه خود آورده است: «در سی و شش کیلومتری قزوین، بر بالای بلندی کم ارتفاعی، قصبه بزرگ سیادهن واقع شده است. خانه‌ها با خشت خام بنا شده، و روی آن را با کاه و گل پوشانده‌اند. پشت بام انبارهای غله، هم‌چنین ساختمان خانه‌ها همه پهن و مسطح است. ولی بام طولی‌ها، بلندی کوچکی در وسط دارد که آن را به عنوان روزنه و به منظور نفوذ روشنائی گذاشته‌اند.

در این قصبه مناره مسجدی مشاهده نشد. کوچه‌ها تنگ و گذرگاه‌های عمده دارای چاله و چاهی است که در مواقع بارانی، آب باران، در آن سرازیر می‌شود. عدم استحکام و بی‌ثباتی بناهای گلی، ظاهر همه ساختمان‌ها را به صورت یک ویرانه جلوه گرمی‌کند و این منظره تقریباً در کلیه آبادی‌های فلات ایران یکسان و چشمگیر است. به علت کمبود آب، اهالی سیادهن از دسترسی به درخت بی‌نصیب هستند. این شهر کوچک عاری از درخت و سبزی، دوهزار خانه، ده باب مسجد، هشت باب حمام، هشتاد دکان، چهار کاروانسرای دارد. مالیات سالانه آن بالغ بر دو هزار تومان محصول، یک هزار خروار غله، یعنی گندم و جو و ۴۵۶ باتمان کاه می‌باشد.

این سیاح فرانسوی درباره مهمان نوازی و برخورد مردم منطقه با مسافران، به ویژه نسبت به هیئت همراهش می‌نویسد:

«وزیر شاهزاده که در قزوین حکمرایی دارد، به سیاده آمده تا از طرف شاهزاده خوش آمد گوید. از زنجان به بعد در تمام دهستان‌ها به خوبی ما را استقبال کردند. همه منازل پاکیزه و شایسته ما بود و اهالی نیز مهمان نواز و از ما پذیرایی می‌کردند. در جلوی سفیر بزهایی می‌کشتند و می‌گفتند ما این عمل را تنها در برابر شاهزادگان طایفه شاهی می‌نمائیم».^{۱۶}

اوژن فلاندرن ضمن توصیف شیوه معیشت مردم منطقه و اوضاع اقتصادی سراسر ایران، به داوری درباره امور سیاسی می‌پردازند و اخذ رشوه و حکومت استبدادی ایران را مهم‌ترین عامل بدبختی کشور ایران در دوره قاجار می‌دانند. چنان‌که آورده است:

«در این منطقه تماماً حاصلخیز و ساکنین، همه جا از زراعت و محصول خود بی‌نهایت خرسند بودند؛ اما یک چیز در این محل و بلکه در تمام امکنه ایران قابل توجه است که هیچ‌کس حرفه به خصوصی ندارد. بیشتر ساکنین توجه‌شان به زراعت است ولیکن برای رهایی از رشوه‌هایی که باید بدهند، پنهاناً هم حرفه‌ای در پیش می‌گیرند. کشور ایران یکی از بهترین ممالک شرقی است، اما وضع نابهنجار حکومتش او را یکی از بدبخت‌ترین کشورهای آسیایی نموده است».^{۱۷}

سرانجام باید از علت تشکیل تپه‌ها در سفرنامه او یاد کنیم، زیرا بیانگر باورها و اعتقادات مردم آن زمان نیز هست:

«در اطراف این دشت بلندی‌هایی وجود دارد که ایرانیان تپه یا تل می‌نامند. تپه‌ها منفرد و بدون شیئی هستند. ساکنین درباره آن عقاید مختلفی دارند. بعضی می‌گویند از بقایای آتشگاه یعنی از زمانی است که آتش پرستی رواج می‌داشت، برخی پست‌های نظامی می‌دانند، اما یقین حتمی درباره هیچ‌کدام متصور نیست و شاید دومی به حقیقت بیشتر نزدیک‌تر باشد. چه در قرون اخیر جنگ‌های متوالی در ایران، به ویژه در قسمت شمال‌شمال روی داده، برای غلبه لازم دانسته‌اند که فاصله به فاصله پناهگاه‌های مستحکم بنا نمایند تا در موقع خطر به کار آید».^{۱۸}

و سرانجام باید از آنگسیس سولتیکف نام برد که در سال‌های ۱۲۵۳ - ۱۲۵۵ ه. ق. در زمان پادشاهی محمد شاه قاجار به ایران مسافرت نموده است. اگر چه او در موقع رفتن به تهران از تاجیکستان یاد نکرده، اما در توضیح مسیر برگشت آورده است: «از قزوین تا سیادهن مسیر چندان طولانی نشد. بالباسی حرکت کرده بودیم که به نظر می‌آمد سرما به آن کارگر نباشد. با این حال احساس کردم که این احتیاط نه تنها زائد نبود، بلکه حتی کافی هم نبود. در حقیقت

تپه‌ها مهم‌ترین
زبان تاریخی محسوس
دشت قزوین می‌باشند
که حکایت از خشم طبیعت
و تهاجم اقوام خارجی
دارند. به عبارتی
زبان خفته در خاک‌اند

صحبت می‌کرده‌اند، در حالی که در زمان مسافرت اوژن فلاندن اولین آبادی که به این زبان (آذری یا تاتی)، یا به قول فلاندن فارسی، صحبت می‌کرده‌اند، فارس‌جین بوده است. به هر حال امروزه پراکندگی جغرافیایی زبان تاتی بسیار محدودتر از آن حدودی است که سیاحان خارجی گزارش داده‌اند.

پی‌نوشت‌ها:

- ۱- کلاویخو، سفرنامه کلاویخو، ترجمه مسعود رجب نیا، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۴۴، ص ۱۷۴.
- ۲- تاورنیه، سفرنامه تاورنیه، ترجمه ابوتراب نوری، با تجدید نظر کلی و تصحیح دکتر حمید شیروانی، چاپ دوم، کتابفروشی تأیید اصفهان، ۱۳۶۶، صص ۲-۸۱.
- ۳- شاردن، ژان، سیاحتنامه شاردن، ترجمه محمد عباسی، جلد سوم، تهران: امیرکبیر، ۱۳۵۰، ص ۳۳.
- ۴- پورمحمدی، ن.، «تات یعنی چه و تات‌ها چه کسانی هستند»، آوای شمال (ویژه تالشی‌ها)، پاییز ۱۳۷۷، ص ۷.
- ۵- شاردن، صص ۶-۴۵.
- ۶- همان، صص ۵۰-۴۹.
- ۷- کارری، جملی، سفرنامه کارری، ترجمه دکتر عباس نخجوانی و عبدالعلی کارنگ، اداره کل فرهنگ و هنر آذربایجان شرقی، ۱۳۴۸، ص ۴۷.
- ۸- همان، ص ۴۷.
- ۹- فریزر، جیمز بیلی، سفرنامه فریزر معروف به سفر زمستانی، ترجمه دکتر منوچهر امیری، تهران: توس، ۱۳۶۴، صص ۷۴-۷۵.
- ۱۰- همان، صص ۷۵-۷۶.
- ۱۱- همان، ص ۷۶.
- ۱۲- همان، ص ۷۹.
- ۱۳- فلاندن، اوژن، سفرنامه اوژن فلاندن به ایران، ترجمه حسین نور صادقی، ۱۳۲۴، ص ۸۶.
- ۱۴- همان، ص ۸۶.
- ۱۵- همان، ص ۸۶.
- ۱۶- همان، صص ۸۶-۸۷.
- ۱۷- همان، ص ۸۷.
- ۱۸- همان، ص ۸۷.
- ۱۹- سولتیکف، آلکسیس، مسافرت به ایران، ترجمه محسن صبا، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۵، ص ۱۰۸.
- ۲۰- اوین، اوژن، ایران امروز (۱۹۰۷-۱۹۰۶)، ترجمه علی اصغر سعیدی، تهران: کتابفروشی زوار، ۱۳۶۲، صص ۲-۳۱.

جیمز بیلی فریزر

هنگام فرا رسیدن بهار

وارد منطقه تاکستان شده

و توصیف ظریف و دقیقی

از سرآغاز بهار در این منطقه

ارائه داده است

این دهستان خالصه، یعنی جزیی از املاک دولتی است. عایدات آن در قبال هزینه‌های، چای، قهوه، قند، و شربت اندرون شاهی، به جیب آبدارباشی «امین حضرت» ریخته می‌شود. برای نظارت صحیح و برداشت محصول از سوی ذینفع مباحثی در سیادهن مستقر شده است که علاوه بر محصول مقرر، گوسفند، جوجه، کره و چیزهای دیگر نیز برای ارباب می‌فرستد. از طرف دیگر، وضع محصول چه خوب باشد چه بد، سهم مباشر همیشه محفوظ است و باید چندین هزار تومان منفعت به جیب بزنند. بعد از آن که عایدی مورد نظر حاصل شد، دیگر کسی کاری به اهالی دهستان ندارد. اما انصاف را نباید از دست داد که در مجموع «امین حضرت» آدم حلیم و بی‌عرضه‌ای است، علاقه و اصرار زیادی به نگهداری آن چنان مباشر طماعی ندارد که روستاییان، قبولش نداشته باشند.

روستائیان «کدخدا» و «ریش سفید» ده را خودشان به آزادی انتخاب می‌کنند. اولی به امور اداری روستا و دومی به مسائل قضایی محلی رسیدگی می‌کند.^{۲۰}

بدین ترتیب با توجه به مجموع گزارش‌ها و توصیف‌های سیاحان خارجی، علاوه بر آگاهی یافتن از موقعیت اجتماعی، اقتصادی، ویژگی‌های جغرافیایی، اوضاع تاریخی و حتی شرایط زیست محیطی منطقه، دو نکته مهم قابل درک است: نخست مسیرهای کاروان‌رو است که تا پایان دوره صفویه کاروان‌های تجاری، چاپارهای حکومتی، سفیران و سیاحان خارجی از راه ابهر، خیارج، سگزآباد، آراسنج و... به اصفهان می‌رفته‌اند. البته با سقوط حکومت صفوی، این مسیر رونق گذشته خود را از دست داده است و کاروان‌های سیاسی - تجاری بیشتر از مسیر ابهر - تاکستان - قزوین عبور می‌کرده‌اند. نکته دوم، سیر نفوذ و گسترش زبان ترکی در منطقه تات زبان است. چنان که در زمان سیاحت شاردن حتی مردم ابهر نیز به لهجه‌ای از زبان شمال غربی ایران (آذری یا تاتی)